

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

پارنتی مایکل

برگردان: ا.م. شیری

۱۳ اگست ۲۰۱۱

آنتی کمونیسم چپ نما [*]

فصلی از کتاب «پیراهن سیاهان و سرخها: فاشیسم عقلانی و سقوط کمونیسم»

سافرانسیسکو ۱۹۹۷

قسمت اول:

پیشگفتار

تبلیغ تدین ناب

بیش از یکصد سال است که ایالات متحده امریکا بلاوقفه به تبلیغات ضدکمونیستی در میان مردم خود مشغول است، تا جایی که ضدکمونیسم به چیزی شبیه به دین تبدیل شده است. در دوره جنگ سرد ماشین ایدئولوژی ضدکمونیسم توانست هر گونه اطلاعات در باره کشورهای کمونیستی را به مناسبات خصمانه علیه آنها بدل کند. اگر اتحاد شوروی از شرکت در گفت و گوها امتناع می کرد، سیاست آن را اصلاح ناپذیر و ستیزه جویانه می خواندند. اگر به سازش تن در می داد، این را اقدامی برای خواب کردن آنها معنی می کردند. اگر اتحاد شوروی با محدود کردن مسابقه تسلیحاتی مخالفت می کرد، می گفتند مقاصد تهاجمی خود را دنبال می کند. اگر از اعمال محدودیت جانبداری می کرد (در اکثر موارد هم چنین بود)، آن را دروغگوئی و ریاکاری می خواندند. اگر در اتحاد شوروی مردم به کلیساها نمی رفتند، آن را سرکوب دین معنی می کردند و اگر می رفتند، آن را به معنی سرپیچی مردم از ایدئولوژی آته نیستی رژیم قلمداد می کردند. اگر کارگران اعتصاب می کردند (که در مواقع نادری اتفاق می افتاد)، این را به مفهوم سرپیچی آنها از سیستم جمعی تلقی می کردند؛

اگر آنها اعتصاب نمی کردند، ترس و فقدان آزادی را سبب آن می نامیدند. کمبود کالاهای مصرفی را نشانه شکست سیستم اقتصادی و وفور کالاهای مصرفی را به معنی تلاش رژیم برای فریب جمعیت نگران و تقویت حاکمیت خود بر آنها ارزیابی می کردند. اگر کمونیستها در امریکا نقش مهمی در مبارزه برای احقاق حقوق کارگران، فقراء، افریقائی تباران، زنان و دیگران ایفا می کردند، این مبارزه آنها یک روش تصنعی برای جلب حمایت این اقشار اجتماعی به منظور رسیدن به قدرت تلقی می شد. هیچکس این مسأله را توضیح نمی داد که با مبارزه برای احقاق حقوق مردم محروم از حقوق، چگونه می توان به تسخیر قدرت نایل آمد. ما در اینجا با دینواره ناسناختنی گسترده ای سر و کار داریم که در اثر جد و جهد دوایر حاکمیتی رواج یافت و تمام طیفهای سیاسی را در بر گرفت.

تبلیغ تدین ناب

بخش قابل توجهی از چپها در امریکا به چنان شوروی ستیزی و ضدیت با کمونیسم روی آورده اند که با خطرناکترین و خشن ترین اشکال آن در جبهه ماورای راست می توانند رقابت نمایند. از این روست که نوآم چامسکی «روشنفکران چپ» را که سعی می کنند «با پنهان شدن در پشت جنبش های توده ای به قدرت برسند» و سپس «به ضرب شلاق مردم را به تبعیت از خود وادارند»، تازیانه می زند: «شما به عنوان لنینیست، که قصد دارد بخشی از بوروکراسی سرخ باشد، آغاز می کنید. سپس متوجه می شوید که بدین طریق نمی توان به قدرت دست یافت و فوراً به ایدئولوژی راست روی می آورید. ما این واقعیت را در اتحاد شوروی (سابق)، در خود همان انسانها، باندهای کمونیستی تا دو سال قبل، که اینک بانکها را اداره می کنند و به ستایش از بازار آزاد و امریکائیتها روی آورده اند، می بینیم».

(Z Magazine, ۹۵/۱۰)

تفکر چامسکی که اغلب مشکلات را از زاویه دیگر مورد انتقاد قرار می دهد، عمیقاً در همان فرهنگ سیاسی مسلط امریکا ریشه دارد.

او بر آن است که، «باندهای کمونیستی» تشنه قدرت که نمی خواستند به این تشنگی پایان دهند، به انقلاب خیانت کردند. در واقعیت امر، کمونیستها «به طور بطنی» به سوی راست روی آوردند. اما، کمونیستها بیش از ۷۰ سال در تلاش برای نجات سوسیالیسم، با حملات بی سابقه ای مواجه بوده اند. این یک حقیقت است که در سالهای آخر موجودیت اتحاد شوروی برخی از آنها، از جنس باریس یلتسین، به سرمایه داری گرویدند، اما دیگران با به مخاطره انداختن خود به مبارزه علیه احیای سرمایه داری برخاستند و بسیاری نیز در جریان سرکوب بیرحمانه پارلمان روسیه توسط یلتسین در سال ۱۹۹۳، جان خود را در راه آرمانشان فدا کردند.

برخی چپها و بسیاری دیگر تصورات کلیشه ای در باره تشنگی سرخها به قدرت به خاطر قدرت و فراموش کردن اهداف واقعی سوسیالیستی را به شدت تبلیغ می کنند.

اما اگر واقعاً چنین است، پس در این صورت آیا عجیب نیست که چرا این سرخها در کشورهای مختلف جهان، به جای برخورداری از فواید خدمت به نظام قدرتمند امروزی، غالباً خطرات بزرگ جانبداری از محرومان و ستمدیدگان را به جان می خرند و در راه رهائی آنها زندگی خود را فداء می کنند؟

دهه های زیادی فعالان چپ‌گرای امریکائی تبلیغ شوروی ستیزی و ضدکمونیسم را لازمهٔ حفاظت از نام و نشان خود تصور می کردند. آنها نمی توانستند مقاله ای بنویسند و یا نطقی ایراد کنند که در آن بر عبارات ضدکمونیستی تأکید نشده باشد. هدف از چنین برخوردی، عبارت از تلاش در جهت ترسیم خط تمایز خود با چپهای مارکسیست-لنینیست بود.

آدام هوشایلد (Adam Hobschayld)، نویسندهٔ لیبرال و ناشر، به چپهایی که در تقبیح کشورهای کمونیستی موجود تأخیر کردند، هشدار داد و گفت: «آنها اعتبار خود را به مخاطره انداختند» (گاردین، ۲۳ / ۵ / ۸۴). به عبارت دیگر، آنها به منظور اثبات جدیت خود در مخالفت با جنگ سرد، ابتداء باید به آن بپیوندند و سپس از موضع تقبیح جامعهٔ کمونیستی برخوردار نمایند. رونالد رادوش (Ronald Radosh) از جنبش صلح می خواست برای اینکه آن را جنبش کمونیستی نخوانند، باید کمونیستها را از صفوف خود خارج سازند. اگر منظور رادوش را درست فهمیده باشیم، بدین معنی است که برای نجات خود از شکار ضدکمونیستی اشباح، ما باید در این کار مشارکت نمائیم.

روند پاکسازی چپ از وجود کمونیستها به یک سنت طولانی مدت بدل شد و پیامدهای زیانباری برای بسیاری از جریانات مترقی به همراه آورد. مثلاً، در سال ۱۹۴۹ کنگرهٔ سازمانهای صنعتی، عضویت دوازده اتحادیه کارگری عضو خود را به خاطر کمونیست بودن رهبران آنها لغو کرد. این پاکسازی موجب اخراج ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر کارگر از عضویت آن گردید و اعتبار سیاسی کنگره را به شدت تضعیف نمود.

منتقدان چپ حتی زمانی هم که به جناح راست حمله می کنند، نمی توانند مواضع ضد کمونیستی خود را پنهان سازند. مثلاً، مارک گرین با انتقاد از رئیس جمهور رونالد ریگان می گوید: «ریگان مثل یک مارکسیست-لنینیست سمج، بجای تغییر تفکر خود، تغییر واقعیتها را ترجیح می دهد».

این نوع چپها در عین تأکید بر مبارزهٔ خود با جزمگرایی «هم در چپ و هم در راست»، با رعایت یکسری تشریفات، فقط دگمهای ضدکمونیستی خود را تقویت می کنند.

چپهای شریک در آزار و اذیت کمونیستها، کمکهای بزرگی به ایجاد فضای خصمانه ای کردند که دست رهبران امریکا را در پیشبرد جنگ سرد و گرم علیه کشورهای کمونیستی بازرتر نمود و حتی امروز نیز در راه اجرای سیاستهای مترقی و یا حتی لیبرالی، موانع جدی ایجاد می کنند.

نمونهٔ بارز «چپ» ضدکمونیست، جورج اورول بود. در بحبوحهٔ جنگ دوم جهانی، زمانی که اتحاد شوروی در استالینگراد درگیر نبرد مرگ و زندگی با نازیها بود، جورج اورول گفت:

«آمادگی برای انتقاد از روسیه و ستالین، معیار و محک صداقت روشنفکری محسوب می شود و این، از نقطه نظر ادبی - روشنفکری، یگانه راه مقابله با خطر بالفعل است». اورول (با خصلت دو گانهٔ خود)، ضمن احساس امنیت در جامعهٔ خشن ضدکمونیستی، تقبیح کمونیسم را یکی از اقدامات اعتراضی قهرمانانه تلقی می کرد. امروز فرزندان ایدئولوژیک او همان تاکتیک را استمرار بخشیده و با پیشبرد کارزار بی امان علیه انبوه مارکسیست - لنینیست - ستالینیست های خیالی، خود را به عنوان منتقدان خستگی ناپذیر چپ از موضع چپ، تعریف می کنند.

در میان چپهای امریکا به طور کلی ارزیابی منطقی از اتحاد شوروی، از کشوری که از همان ابتدای موجودیت خود با جنگهای طولانی مدت داخلی و اشغال از سوی کشورهای زیادی مواجه گردید و دو دهه بعد، در جنگ با طاعون فاشیسم به بهای قربانیهای بی سابقه پیروز شد، وجود ندارد.

در طول سه دهه بعد از انقلاب بلشویکی، کشور شوراهای به چنان پیشرفتهای عظیم صنعتی دست یافت که کشورهای سرمایه داری در عرض صدها سال قادر به آن نبودند. این کشور خلاف کشورهای صنعتی پیشرفته که فرزندان خود را به ۱۴ ساعت کار کشنده روزانه در کارخانه ها وامی داشتند و هنوز هم در بسیاری از کشورهای جهان وامی دارند، همراه با تأمین خوراک، پوشاک و آموزش فرزندان خود، به چنین موفقیت‌های بزرگ دست یافت.

کشور شوراهای علاوه بر این، همراه با بلغارستان، المان دموکراتیک و کوبا تمام نیازمندیهای ضروری جنبشهای رهائی بخش ملی جهان، از جمله کنگره ملی افریقا به رهبری نلسون ماندلا را تأمین می کردند.

ضدکمونیستهای چپ موفقیت‌های توده های محروم را که در دوره وجود سیستم سوسیالیستی جهانی کسب کردند، نادیده می گیرند.

برخی حتی آنها را مورد استهزاء قرار می دهند.

من به خاطر می آورم که چگونه یک بار ماری بوکچین (Murray Bukchin) آنارشیت و ضدکمونیست مشهور در برمونت نگرانی من نسبت به «تغذیه کودکان فقیر در سیستم کمونیستی» را به سخره گرفت.

ادامه دارد

منبع:

<http://rkrp-rpk.ru/content/view/5596/82/>

www.eb1384.wordpress.com

[*] یادداشت:

تا جایی که از محتوای این نوشته معلوم می شود، نویسنده در عین حالی که در مبارزه علیه امپریالیسم در حد توان به روشنگری هائی دست می زند، در قبال دولت شوروی و استحاله آن از یک دولت سوسیالیستی به یک دولت سوسیال امپریالیستی و احیای سرمایه داری در آن کشور مرز بندی های دقیقی ندارد. امید است خوانندگانی که از این اثر استفاده می نمایند متوجه این نقصان بزرگ نوشته نیز باشند.

ویراستار ایندولوژیک پورتال AA-AA